حجاب ؛ عامل استحکام پیوند خانوادگی

6 دی 1400

*دکتر کبری درویش پیشه،مشاور خانواده

سال گذشته و به دنبال فوت مرحوم مهسا امینی دشمنان داخلی با حمایت های مالی دشمنان خارجی که عمده آنان در آمریکا ، انگلیس ،فرانسه و حتی اسرائیل حضور و فعالیت داشتند؛ فضایی را فراهم کردند تا عده ای از نوجوانان و جوانان فریب خورده با شعار « زن ، زندگی ، آزادی » در شهرهای مختلف کشور امنیت کشور را برهم ریخته و خسارت جبران ناپذیری را به زیرساخت های کشور و حتی اماکن مسکونی و تجاری ، ادارات ،نهادها و سازمان های دولتی یا خصوصی وارد نمایند ؛ غافل از این که هموطنان در این کشور شهیدپرور با آن که در مشکلات عدیده اقتصادی غوطه ورند ؛ گوهر نازنین «حجاب » خود یا مادران و خواهران خود را با هیچ چیز دیگری معاوضه نکرده و با خون خود و یا عزیزان خود از مروارید درون این صدف پاسداری می نمایند.چرا که آنان بر این باورند که حجاب عامل آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع ، ارزش بخشیدن و احترام گذاری به « زن» است .

حجاب چیست؟

کلمه « حجاب»هر چند دراستعمال هاي روزمره به معني پوشش زن به کار مي رود ولي در لغت چنين مفهومي را ندارد. حجاب در لغت به معني چيزي است که در ميان دو شيء حائل مي شود. به همين جهت، پرده اي که در ميان امعاء و قلب و ريه کشيده شده (حجاب حاجز) ناميده مي شود(محمدی آشنايي،۱۳۷۳، ۶).

در ویکی شیعه آمده است : «حجاب » اصطلاحی دینی به معنای پوشاندن برخی از نقاط بدن زنان و مردان در شریعت اسلامی. از دیدگاه فقهی حجاب یعنی زنان در **اجتماع** و در مقابل مردان نامحرم طوری لباس بپوشند که برجستگی های بدنشان مشخص نباشد و فقط گردی صورت و دست هایشان تا مچ باز باشد.

زن محجوبه یعنی زنی که به وسیله ای پوشیده شده است .هم چنین حجاب نامی است برای آنچه بدان خودرامی پوشانند .آن چه میان دوچیزحائل گرددنیز"حجاب " نامیده می شود(فهیم کرمانی،۱۳۷۲، ۲۲).

استاد شهید مرتضی مطهری بر این باور است : استعمال کلمه «حجاب » درمورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتا"جدید است . در قدیم ومخصوصا" دراصطلاح فقها کلمه « ستر» به معنای پوشش به کار رفته است. این کلمه ازآن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده ، وسیله پوشش است وشاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت ، هرپوششی حجاب نیست ، آن پوشش «حجاب » نامیده می شودکه ازطریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (مطهری،۱۳۷۶، ۷۹).

نویسنده کتاب« حجاب درادیان الهی » نیز ازقول علامه نقدی می نویسد: درشرع برای « حجاب » سه

اطلاق وجوددارد :۱ـ این که زن تمام اجزای بدنش را ـ مگرآن مقداری که مجازشمرده شده است – ازهرناظری که نگاه کردنش بدان جایزنیست، بپوشاند .۲ـاین که دربیت خیش بماند وجزهنگام ضرورت ،ازآن خارج نشود.۳ـ حایلی که بین زن ومردان نامحرم ساترقرارمی گیرد (محمدی آشنایی ،۱۳۷۳ ، ۸).



نگاهی به تاریخچه حجاب

تاریخچه حجاب در جهان در بسیاری از کتاب‌های تاریخی مورد بررسی قرارگرفته است. به گواهی تاریخ، حجاب از دوران باستان و در تمامی نقاط جهان، در میان زنان رایج است اما مقدار آن در همه جا یکسان و به یک شکل نبوده و به اشکال مختلف استفاده می شده است.

اطلاع تاريخي ما آن گاه كامل است كه بتوانيم درباره همه مللي كه قبل از اسلام بوده اند اظهار نظر كنيم . قدر مسلم اين است كه قبل از اسلام در ميان بعضي ملل حجاب وجود داشته است. تا آن جا كه در ايران باستان و در ميان قوم يهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته و از آن چه در قانون اسلام آمده سخت تر بوده است، اما در جاهليت عرب حجاب وجود نداشته است و به وسيله ي اسلام در عرب پيدا شده است.

تحقیقات تاریخی نشان می دهد حجاب زنان ایرانی در دوران باستان یعنی قبل از ورود اسلام به ایران در جهان منحصر به فرد بوده است. تا جایی‌که ویل دورانت تاریخ نگار مشهور اتریشی معتقد است: مبدع حجاب در جهان، ایرانیان هستند. نقش برجسته های این دوره نشان می دهد زن ها در اجتماع از لباس های تنگ و بدن نما استفاده نمی کردند.

در ایران باستان، حجاب سخت و شديدي حكم فرما بوده ، حتي پدران و برادران نسبت به زن شوهردار نامحرم شمرده مي شده اند. به عقيده ويل دورانت مقررات شديدي كه طبق رسوم و آيين كهن مجوسي درباره زن حائض اجرا مي شده كه در اتاقي محبوس بوده ، همه از او در مدت عادت زنانگي دوري مي جسته اند و از معاشرت با او پرهيز داشته اند، سبب اصلي پيدا شدن حجاب در ايران باستان بوده است (طباطبایی، ۱۳۸۹، ۱۱۹).

او در بخشی دیگراز نوشته های خودآورده است: زنان طبقات بالای اجتماع جرئت آن رانداشتند که جزدرتخت روان روپوش دارازخانه بیرون بیایند .هرگزبه آنان اجازه داده نشد که آشکارا با مردان اختلاط کنند .زنان شوهردارحق نداشتند هیچ مردی را، ولوپدریا برادران شان باشد؛ ببینند . درنقش هایی که درایران باستان برجای مانده ،هیچ زن دیده نمی شود ونامی ازایشان به نظرنمی رسد .

«كنت گوبينو » در كتاب سه سال در ايران نيز معتقد است كه حجاب شديد دوره ي ساساني ، در دوره ي اسلام در ميان ايرانيان باقي ماند. او معتقد است كه آن چه درايران ساساني بوده است تنها پوشيدگي زن نبوده است بلكه مخفي نگه داشتن زن بوده است. مدعي است كه خودسري موبدان و شاهزادگان آن دوره به قدري بود كه اگر كسي زن خوشگلي در خانه داشت نمي گذاشت كسي از وجودش آگاه گردد و حتي الإمكان او را پنهان مي كرد زيرا اگر معلوم مي شد كه چنين خانم خوشگلي در خانه اش هست ديگر مالك او و احياناً مالك جان خودش هم نبود. در هند نيز حجاب سخت و شديدي حكم فرما بوده است ولي درست روشن نيست كه قبل از نفوذ اسلام در هند وجود داشته است و يا بعدها پس از نفوذ اسلام در هند رواج يافته است و هندوان غير مسلمان تحت تأثير مسلمانان و مخصوصاً مسلمانان ايراني حجاب زن را پذيرفته اند. آن چه مسلم است اين است كه حجاب هندي نيز نظير حجاب ايران باستان سخت و شديد بوده است.

پژوهش ها نشان مي دهد كه زنان ايران زمين از زمان مادها، داراي حجاب كاملي شامل: پيراهن بلند چين دار، شلوار تا مچ پا و چادر بر روي لباس ها بودند. برابر متون تاريخي در آن زمان ها پوشاندن موي سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر رايج بود. در سال ۱۹۰۶ ميلادي پروفسور " رودنكو" باستان شناس روس در مغولستان جنوبي، قطعه فرشي به دست آورد كه قديمي ترين گونه قالي در جهان به شمار مي رود.

آن چه در فرش مذكور جلب توجه مي كند نقوش دو رويه آن است بر يك طرف تصوير چند بانو (احتمالاً شاهزادگان هخامنشي) به حالت ايستاده نقش شده در حالي كه سراندازهايي بر سر دارند، در طرف ديگر تصوير چند بانوي اسب سوار ديده مي شود كه چادرهايي شبيه چادر زنان كنوني عشاير جنوب بر سر دارند. پيدايش اين فرش منقوش نشان دهنده ي آن است كه در دوره هخامنشي چادر يك پوشش ايراني بوده است و بانوان ايراني از هر قشر و طبقه اي از آن به عنوان پوشاك ملي استفاده مي كردند. كشف و پيدايش تعدادي پيكره و مجسمه در همين دوره كه از سنگ و فلز ساخته شده افزون بر ثبات، وجود حجاب كامل پيش از اسلام در ايران باستان، روشن مي كنند كه بانوان ايراني بر خلاف يونانيان ملبس به چادر بوده و از برهنگي خودداري مي كرده اند.

هم چنين نقوشي كه از بانوان ساساني، در بشقاب هاي ساخته شده از نقره، باقي مانده است، نشان مي

دهد که هر يك از بانوان چادري به خود پيچيده دارند.

چادر و شنل از عناصر مهم پوشش زنان ساسانی بوده که ما آن را بر سر ملکه آذرمیدخت، دختر خسرو پویز که مدتی هم در ایران پادشاهی می کند می بینیم. در کتاب تمدن ساسانی(علی سامی) در مورد پوشاک زنان چنین آمده است : « چادر که از دوره های پیش مورد استفاده بانوان ایران بوده است، در این دوره نیز به صورت مختلف مورد استعمال قرارگرفته است » . زنان درباری روی مقنعه خود، تاج و روی تاجشان چادر می پوشیدند.

آرتو کریستن سن و دیگر خاورشناسان نیز وجود و حضور چادر را در دوره ساساني تأييد كرده اند. نكته قابل توجه اين است كه چادر در اين دوران نيز ويژه طبقه يا گروه خاصي از بانوان نبوده ، بلكه عموم بانوان از آن استفاده مي كردند.

وجود انواع حجاب ها و پوشش ها در دوره هاي مختلف تاريخي فوق در بين اقوام مختلف و در اديان متفاوت همه دلايل و شواهد تاريخي روشني بر فطري بودن اصل حجاب و پوشش نيز هستند(كريستين سن ، ۱۳۷۰، ۱۱۲).

بعد از ورود اسلام به ایران تنها تغییری که در پوشش زنان ایرانی ایجاد می‌شود آن است که روسری هایشان را که قبلا از جلو باز بوده از قسمت زیر گلو با سنجاق یا گیره می بستند به طوریکه دیگر گریبان شان پیدا نبود. درواقع اسلام ، حجاب زن ایرانی را تکمیل می‌کند و برخلاف عقیده بسیاری، اسلام بوجود آورنده حجاب در ایران نیست. ژوزف کنت گوبینو تاریخنگار فرانسوی می‌گوید: شکل حجابی که در ایران است بیش از آن که مستند به اسلام باشد به ایران قبل از اسلام مستند است (های حجاب).

انواع حجاب

بی شک همه انواع حجاب از نظر ارزش و اهمیت دریک درجه ومرتبه نیستند . دریک تقسیم بندی کلی و اجمالی می توان گفت دونوع حجاب «تعقلی» که به مدد فکر، اندیشه وعقل ورزی شکل گرفته است وحجاب « تعبدی» بیش ترقابل دفاع وپذیرش است ؛ چراکه اساسا عقل وشرع دراثبات بسیاری ازگزاره ها واحکام اسلامی وازجمله حجاب اسلامی به کمک ما خواهندآمد.

درکتاب « پرسمان حجاب » درپاسخ به این پرسش که باتوجه به اوضاع وشرایط اجتماعی وانگیزه ها ونیت های افراد ، حجاب دارای چه انواعی است؟ مهدی زاده می نویسد : حجاب وپوشش به تناسب اوضاع وشرایط وانگیزه ها ونیت ها و افکار و اندیشه های شخصی که ازآن استفاده می کند، دارای انواع مختلفی است که برخی ازآن ها عبارتند از: حجاب تحمیلی، حجاب تقلیدی ، حجاب مصلحتی ،حجاب تعقلی و حجاب تعبدی (مهدی زاده ، ۱۳۸۸، ۲۴-۲۶).



انواع حجاب درقرآن

در دین اسلام به مساله حجاب اهمیت ویژه ای داده شده است . در ویکی پدیا آمده است: در قرآن کریم، ۲۴ آیه از میان ۶۲۳۶ آیه به امر حجاب اشاره دارد . در مقاله « حجاب در قرآن » می خوانیم: واژه حجاب هفت بار در قرآن کریم آمده است و معنای کلمه در این هفت مورد، چیزی است که از هر جهت مانع دیده شدن چیز دیگر شود(شهیدی ، 1380).

** چند آیه درباره حجاب

1- حجاب و عفاف در گفتار:

ای زنان پیغمبر، شما مانند دیگر زنان نیستید (بلکه مقامتان رفیع‌تر است) اگر خدا ترس و پرهیزکار باشید، پس زنهار نازک و نرم (با مردان) سخن مگویید مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد (بلکه متین) و درست و نیکو سخن گویید (احزاب: ۳۲) .

برداشت= طرز سخن گفتن با نامحرم (چه سخن گفتن زن با مرد و چه بالعکس)، طوری که موجب عشوه، شوخی و سخنان زننده نباشد .

2- حجاب در رفتار:

و زنان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهرا ظاهر می‌شود (بر بیگانه) آشکار نسازند، و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود یا پدران یا پدران شوهر یا پسران خود یا پسران شوهر یا برادران خود یا پسران برادران و پسران خواهران خود یا زنان خود (یعنی زنان مسلمه) یا کنیزان ملکی خویش یا مردان اتباع خانواده که رغبت به زنان ندارند یا اطفالی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیستند (و از غیر این اشخاص مذکور احتجاب و احتراز کنند) و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود. و ای اهل ایمان، همه به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار شوید.

برداشت=آن گونه که بر زن و مرد، پوششی از جانب خداوند واجب گردیده است، همان گونه نیز، حفظ چشم از هر نگاهی بر مرد و زن مومن واجب گردیده است (نور: ۳۱) .

از موارد گفته شده برداشت می شود که منظور از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قائل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در بین رفتارهای مختلف آنها، مانند نحوه پوشش، نوع نگاه، مدل حرف زدن و نوع راه رفتن می باشد، به همین دلیل حجاب و پوشش زنان به منزله ی نوعی حجاب و مانع در مقابل افراد نامحرم می باشد که می خواهند به حریم و ناموس آنها نفوذ نمایند.

**ترجمه آیات از صفحه دانشنامه اسلامی به آدرس wiki.ahlolbait.com برداشت شده است.

فلسفه حجاب

فلسفه حجاب چیز مکتوم و پنهانی نیست. مهم ترین فلسفه حجاب این است که زن در روابط خود با مرد، حریمی قائل شود. اگرچه زن و ومرد از جهاتی مانند کرامت انسانی و بهره مندی ازحقوق اجتماعی همانند تحصیل علم و. . . مساوی هستند ولی از لحاظ فیزیکی و روحی تفاوت های فراوانی با هم دارند، که همین اختلافات باعث می شود که خداوند مهربان با توجه به ویژگی های منحصر به فرد ومتفاوت در خلقت زن احکامی همچون حفظ و رعایت حجاب را بربندگانش واجب فرموده است.

البته این گونه هم نیست که پوشش مخصوص خانم ها باشد و بر مردان اصلا حجابی لازم نباشد، اما علّت این که در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان دارد زیرا که میل به خود نمایی و خود آرایی مخصوص زنان است، قهراً باید به زن بگویند خود را در معرض نمایش قرار نده نه به مرد، از نظر تصاحب قلب ها و دلها مرد شکار است و زن شکارچی همچنانکه از نظر تصاحب جسم، زن شکار است و مرد شکارچی، میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچیگری او ناشی می شود، در هیچ جای دنیا مردان غالبا از لباسهای بدن نما و آرایشهای تحریک طبیعت خاص خود می خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد، لذا انحراف تبرّج و برهنگی از انحرافهای مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.

اسلام می خواهد مردان و زنان مسلمان، روحی آرام واعصابی سالم و چشم و گوشی پاک داشته باشند؛ ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه، عدم تهییج و تحریک جنسی است. معاشرت های بی بندو بار میان زن و مرد هیجان ها والتهاب های جنسی را افزایش داده وتقاضای سکس را به صورت عطش روحی ویک خواست اشباع نشدنی در می آورد. زن با پوشش خود اخلاق و پاکی را در جامعه رونق و خانواده را استوار وپا بر جا می سازد در مقابل عدم رعایت حجاب فرد و جامعه را دچار لغزش و آسیب جدی کرده ومردها را به مفسده می کشاند.

در این جا به چند مورد از موارد مهم فلسفه ي حجاب اشاره مي شود:

الف: برهنگي زنان ، كه طبعاً پيامدهائي همچون آرايش ، عشوه گري و امثال آن همراه دارد ، مردان ومخصوصاً جوانان را دريك حال تحريك دائم قرار مي دهد تحريكي كه سبب كوبيدن اعصاب آنها و ايجاد هيجان هاي بيمارگونه عصبي و گاه سرچشمه امراض رواني مي گردد.

اسلام مي خواهد مردان و زنان مسلمان، روحي آرام، اعصابي سالم و چشم وگوشي پاك داشته باشند، واين يكي از فلسفه هاي حجاب است.

ب: آمارهاي قطعي و مستند، نشان مي دهد: با افزايش برهنگي درجهان، طلاق واز هم گسيختگي زندگي زناشوئي در دنياوحتى درايران به طور مداوم بالا رفته ومى رود .

در محيطي كه حجاب است (و شرائط ديگر اسلامي رعايت مي شود) دو همسر تنها وتنها به يكديگرتعلق خواهند داشت و احساسات ، عشق و عواطفشان تنها مخصوص يكديگر است. ولي در« بازار آزاد برهنگي » كه عملاً زنان به صورت كالاي مشتركي (لااقل در مرحله ي غيرآميزش جنسي) درآمده اند، ديگر قداست پيمان زناشوئي مفهومي نمي تواند داشته باشد، و خانواده ها همچون تار عنكبوت به سرعت متلاشي مي شوند و كودكان بي سرپرست مي ماند.

ج :گسترش دامنه ي فحشاء و افزايش فرزندان نامشروع، از دردناك ترين پيامدهاي بي حجابي است ، كه فكر مي كنيم نيازي به ارقام و آمار ندارد و دلائل آن مخصوصاً در جوامع غربي كاملاً نمايان است، نمي گوئيم عامل اصلي فحشاء و فرزندان نامشروع مختصراً بي حجابي است، مي گوئيم: يكي از عوامل مؤثر آن مسأله ي برهنگي و بي حجابي محسوب مي شود.

د: مسأله ي (ابتذال زن) و (سقوط شخصيت او) دراين ميان نيز حائز اهميت فراوان است كه نيازي به آمار و ارقام ندارد.

هنگامي كه جامعه زن را با اندام برهنه بخواهد، طبيعي است روز به روز تقاضاي آرايش بيشتر و خودنمائي افزون تر از او دارد و هنگامي كه زن را از طريق جاذبه ي جنسي اش وسيله ي تبليغ كالاها و دكور اطاق هاي انتظار، و عاملي براي جلب جهانگردان، سياحان و مانند اي ها قرار بدهند، در چنين جامعه اي شخصيت زن تا سر حد يك عروسك، يا يك كالاي بي ارزش سقوط مي كند، وارزش هاي والاي انساني او به كلي به دست فراموشي سپرده مي شود، و تنها افتخار او جواني، زيبائي و خودنمائي اش مي شود.

در چنين جامعه اي چگونه يك زن مي تواند با ويژگي هاي اخلاقي اش، علم و آگاهي و دانائي اش جلوه كند، و حائز مقام والائي گردد؟!



فلسفه حجاب در نگاه حضرت امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در سخنرانی ها و مصاحبه های خود در قبل از پیروزی انقلاب و بعد از آن به ضرورت رعایت پوشش اسلامی در اجتماع تاکید داشته اند.

آیت الله طالقانی در تاریخ ۲۰ اسفند ۵۷ در مصاحبه ای اعلام می کنند که: حجاب اسلامی حجاب شخصیت و وقار است و هیچ اجباری هم در مورد آن در کار نیست...مسلما نظر امام هم به مصلحت زنان ما و هم خواهران و دختران ماست و هم مطابق با موازین اصول دین مبین اسلام است... حجاب یک مسئله‌ی سنتی و تاریخی است در عمق تاریخ ما و تاریخ شرق... اشتباه می‌کنند خانم‌های ما که اگر یک روسری روی سرشان بگذارند این‌ها از حیثیت آن‌ها کم خواهد شد... حجاب ساخته‌ی من و فقیه و این‌ها هم نیست، نص صریح قرآن است. آیه‌ی حجاب برای شخصیت دادن به زنان است... آیا این مانع از آن است که کار اداری داشته باشند؟ نه. مانع از این است که کار فرهنگی داشته باشند؟ نه. به شرطی که در راه خدمت باشد... اصل مسئله این است که هیچ اجباری هم در کار نیست و مسئله‌ی چادر هم نیست.

حضرت امام نیز در پاسخ به در پاسخ به یک خبرنگار زن فرانسوی که درباره‌ی مسئله‌ی حجاب و اعتراض زنان ایرانی پرسیده بود، پاسخ داد: همان نظراتی که آقای آیت الله طالقانی فرمودند، مورد نظر من و صحیح است.

بسیاری با توجه به اجباری نبودن اجبار در نظر آیت الله طالقانی و تایید نظر ایشان توسط امام خمینی، به این نتیجه رسیده اند که حجاب از منظر امام خمینی نیز اجباری نبوده است. اما این افراد به چند نکته مهم توجه نکرده اند؛ اول اینکه مرحوم طالقانی در ابتدای مصاحبه خود اعلام نموده اند که نظر حضرت امام(پیرامون الزامی بودن حجاب) هم به مصلحت جامعه است و مطابق با موازین دین بنابر این آیت الله طالقانی نیز ابتدائا نظر پیشین حضرت امام را پذیرفته بودند(پرتال امام خمینی n153806) .



مفهوم حجاب در کلام مقام معظّم رهبری

حضرت آیت الله خامنه ای ، مقام معظم رهبری در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور درباره حجاب می گویند : اسلام می خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و- بالاتر از همه – فضیلتی و معنوی زنان به حدّ اعلی برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده ی بشری به عنوان یک عضو، حدّ اعلای فایده و ثمره را داشته باشد. همه ی تعالیم اسلام از جمله مسئلهٔ حجاب، بر این اساس است. مسئلهٔ حجاب به معنای منزوی کردن زن نیست. اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد، برداشتش کاملًا غلط و انحرافی است. مسئلهٔ حجاب به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی قید و شرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط، به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد- به خصوص به ضرر زن – است.

مقام معظّم رهبری حفظ حجاب و نبود اختلاط بین زن و مرد را دعوت به حفظ کرامت آنان دانسته و فرهنگ غرب که رواج دهندهٔ برهنگی، ابتذال و حضور هر جایی زنان در جامعه است را نابود کنندهٔ کرامت زنان و مردان می داند.

ایشان در دیدار گروهی از زنان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(ع) و « روز زن » بیان می کنند :

من بارها به گویندگان و مبلّغین قضیهٔ زن عرض کرده ام ؛ این ما نیستیم که باید از موضع خودمان دفاع کنیم. این فرهنگ منحط غرب است که باید از خودش دفاع کند. آن چه را که ما برای زن عرضه می کنیم، چیزی است که هیچ انسان اندیشمند با انصافی نمی تواند منکر شود که این برای زن خوب است. ما زن را به عفّت ، به عصمت ، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه برای آنکه چشم او لذّت نبرد، دعوت می کنیم. این بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. این کرامت زن است. آن هایی که زن را تشویق می کنند که خود را به گونه ای آرایش دهد که مردان کوچه و بازار به او نگاه کنند و غرایز شهوانی خودشان را ارضا کنند ، باید از خودشان دفاع کنند که چرا زن را تا این حدّ پایین می آورند و تذلیل می کنند؟! آن ها باید جواب بدهند. فرهنگ ما، فرهنگی است که انسان های والا و اندیشمند غرب هم آن را می پسندند و رفتارشان همین طور است. در آن جا هم خانم های عفیف و سنگین و متین و زنهایی که برای خودشان ارزشی قائلند، حاضر نیستند خودشان را برای ارضای غرایز شهوانی بیگانگان و هرزه چشمها وسیله ای قرار دهند. فرهنگ منحطّ غربی، از این قبیل زیاد دارد.

فلسفه حجاب در نگاه شهید مطهری



شهید مطهری معتقد است بحث اصلی درباره حجاب این نیست که زنان باید برای حضور در اجتماع، آزاد باشند یا محدود؛ بلکه بحث اصلی آن است که آیا بهره‌گیری جنسی و شهوانی از زنان باید برای هر مردی مطلقاً امکان‌پذیر باشد یا خیر؟ آیا هر مردی باید اجازه تمتع بصری و لمسی از یک زن را در عرصه اجتماع داشته باشد؟

در واقع شهید مطهری در اینجا هم همانند مباحث حقوق زن، نشان می‌دهند که این نحوه طرح مساله که در جامعه ما شایع شده بازی کردن در میدان بازی غربی‌هاست و ابتدا سعی می‌کنند میدان بازی را اصلاح کنند و سپس بازی را شروع کنند. دقت در همین نحوه طرح مسئله می‌تواند پاسخ مناسبی به بسیاری از شبهات بحث حجاب باشد.

حجت الاسلام سوزنچی در مقاله « فلسفه حجاب در نگاه شهید مطهری » می نویسد: شهید مطهری به ۴ فلسفه برای حجاب اشاره می‌کنند: ۱ـ آرامش روانی ۲ـ حفظ ارزش و بالا بردن احترام زن. ۳ـ استحکام پیوند خانوادگی ۴- استواری اجتماع

مواردی که شهید مطهری به عنوان فلسفه حجاب ذکر می‌کند همه این حوزه‌ها را در بر می‌گیرد. دو مورد اول به جنبه فردی مربوط است، مورد سوم به خانواده و مورد چهام به اجتماع مرتبط است:

از جنبه فردی، یک مسئله، مربوط به مردان است و یک مسئله مربوط به زنان، از زاویه تأثیر بر مردان باید گفت حفظ حجاب به لحاظ فردی موجب ایجاد آرامش روحی و کم شدن هیجانات و التهابات کاذب در مردان می‌شود؛ و ازمنظر زنان، حجاب موجب بالا رفتن ارزش ذاتی و مقام انسانی زنان می‌گردد.

از جنبه خانوادگی، حجاب موجب استحکام خانواده و پیوند زناشویی می‌شود چرا که مرد یا زنی که به لحاظ بصری و لمسی از فردی غیر از همسر خود بهره نگرفته است نسبت به همسر خود علاقه بیشتری احساس می‌کند و همین علاقه و لذت بیش تری که به تبعِ آن می‌برد، به پایبندی بیشتر او به خانواده منجر می‌شود و همین بر روحیه زن و دلگرمی او به تلاش در محیط خانواده نیز اثر مستقیم می‌گذارد. اما کسی که با زنان و مردان گوناگونی ارتباط دارد زمینه این را پیدا می کند که بعد از مدتی نسبت به همسر خود سرد و بی‌تفاوت شود؛ و در نتیجه همسرش نیز در اثر چنین برخوردی به سردی خواهد گرایید.

حجاب به لحاظ اجتماعی نیز بسیار حائز اهمیت است و موجب تمرکز بیشتر افراد در فعالیت‌های کاری می‌شود. هر بخشی از فعالیت‌های اجتماعی که دارای اهمیت و جدیت است باید از جلوه‌گری‌های جنسی دور باشد؛ این مسئله حتی در جوامع غربی نیز به خوبی قابل مشاهده است یعنی پوشش زنان در کارخانه‌ها با آنچه در سطح جامعه و مثلا فروشگاهها دیده می‌شود کاملاً متفاوت است. آن جا که بحث از تولید و سر و کار داشتن با ماشین آلات صنعتی و امثال آن است جلوه گری‌های جنسی هیچ جایگاهی ندارد اما آنجا که بحث فروشندگی و تبلیغ کالاست این مسئله (خودنمایی جنسی) خودنمایی می‌کند لذا در بسیاری از کشورهای غربی، چهره جامعه به لحاظ پوشش، در ساعات کاری (صبح) با ساعات غیر کاری (بعد از ظهر و شب) کاملاً متفاوت است چرا که پوشش‌های نامتعارف و نیمه برهنه تناسبی با فعالیت جدی و کاری افراد ندارد لذا در ساعاتی کاری، این امور نمود بسیار کمتری در جامعه دارد. فعالیت کاباره‌ها، شب نشینی ها و مواردی از این دست نیز عمدتاً در ساعات تعطیلی مراکز کاری آغاز می‌شود(مهر، 3578620).

فلسفه حجاب در کلام شهید دکتر بهشتی

حفظ احترام زن مهم‌ترین فلسفه حجاب است. مهم‌تر از حفظ نهاد خانواده و جلوگیری از اشاعه گناه. تأکید اسلام بر حفظ احترام زن از سوی شهید دکتر بهشتی هم مدام تکرار می‌شود.

« این حجابی که در اسلام عرض کردم زن سرش را بپوشاند، تنش را بپوشاند، دست و صورتش باز باشد، بیاید بیرون؛ این حجاب را هم اسلام به عنوان احترام به زن مقرر کرده است. صریح قرآن این است. اصلاً صریح دین ما این است و لذا زن مسلمانی که بی‌حجاب می‌آید بیرون، دیگر مرد واجب نیست به او نگاه نکند. البته نه نگاه از روی شهوت؛ نگاه از روی شهوت که حرام است مطلقاً. ولی نگاه معمولی به موی سر زنی که خودش را بی‌حجاب می‌آورد بیرون، حرام نیست دیگر. برای اینکه آن زن خودش احترام خودش را از بین برده. این مطلب را من تکرار کنم؛ نه از روی شهوت، نه نگاه‌های هوس‌آلود، فقط نگاه طبیعی، نگاه عادی، نگاهی که به یک مرد می‌کند. در صورتی که به یک زنی که معمولاً خودش را در حجاب نگه می‌دارد، یک خانمی الان خودش را در حجاب نگه می‌دارد. در این اتاق نشسته، خیال می‌کند مردی نمی‌آید. اینجا اگر این مرد بداند که این سرش باز است، بیاید داخل، نگاه کند، حرام است. برای اینکه این آمده احترام او را هتک کرده. بنابراین مسئلهٔ حجاب و حرام بودن نگاه به موی زن، احترام اسلام به زن است. این صریح آیهٔ قرآن است و صریح روایات ماست و لذا در روایات از امام سؤال می‌کنند. خدا رحمت کند مرحوم شیخ هادی شیرازی به این مطلب فتوا می‌داد. از امام سؤال می‌کنند که این زن‌های بادیه‌نشین که موی سرشان را نمی‌پوشانند و به شهر می‌آیند، اینکه ما به آن‌ها نگاه می‌کنیم، چطور است؟ فرمود حرام نیست نگاه کردن به آن‌ها؛ برای اینکه آن‌ها خودشان این حق را شکستند و اگر به آن‌ها بگویید نکن، به گوششان نمی‌رود. البته تعبیر روایت این است: «لاَنَّهُنَّ اذا نُهینَ لا یَنْتَهینَ». بنابراین حتی مسئلهٔ حجاب در اسلام احترام به زن است. یعنی برای بالا بردن شخصیت زن است»(www.farsnews.ir).

دفتر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در پاسخ به این سوال « فلسفه «حجاب» و پوشش در اسلام چیست؟» آورده است: فلسفه «حجاب» در اسلام عبارت است از: 1- حجاب سبب آرامش روحی و روانی می شود، زیرا نبودن حریم میان زن و مرد و معاشرت های بی بندوبار، غریزه

جنسی را افزایش می دهد. لذا اسلام تدابیری برای تعدیل این غریزه اندیشیده که حجاب یکی از آنها است. 2- حجاب سبب تحکیم پیوند خانواده و صمیمیت روابطه زوجین می شود. 3- حجاب سبب استواری اجتماع می شود، زیرا کشاندن تمتعات جنسی از محیط خانواده به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می کند. 4- حجاب سبب حفظ مقام و موقعیت زن در برابر مردان می شود (www.makarem.ir).



عوامل گرایش به بدحجابی

عوامل متعددی دست به دست هم داده است تاریشه های بدحجابی ویا بی حجابی درتاروپودجامعه متکثرگردد.

– هجوم فرهنگي استعمارگران عامل بدحجابي

استعمار و استثمارگران اولين قدمي كه براي تسلط بر كشورهاي اسلامي مستقل برمي دارند استفاده از هجوم فرهنگي براي نابودي فرهنگ آن ها است، زيرا تنها چيزي كه ملل مسلمان را از استعمارگران غربي ممتاز مي كند فرهنگ است. فرهنگ مرز تمايز يك ملت با دشمن است. فرهنگ است كه به يك ملت، هويت و شخصيت مستقل مي دهد. لذا دشمن سعي مي كندفرهنگ و در نتيجه مايه ي استقلال يك ملت را نابود كند تا احساس حيثيت ملي و هويت ذاتي مستقل اواز بين برود. اگر ملت استثمار شده اي مانند استعمارگران لباس بپوشد، حرف بزند، غذا بخورد، رفت و آمد كند، معاشرت نمايد، مو و سر و صورت خود را درست كند، مانند بيگانه قيافه بگيرد و با ژست بيگانه احساس شخصيت كند، چنين ملتي ديگر براي دشمن خطري نخواهد داشت، زيرا ديگر فرهنگي برا ي او باقي نمانده است تا با آن احساس استقلال كند، بلكه در واقع او از خود بيگانه اي است كه هويت خود را از دست داده است و ديگر بيگانه را نه تنها غريبه نمي داند، بلكه او را الگو و مقتداي خود مي شناسد و از همين رو هرگز به فكر جدايي و ستيزه جويي با وي برنمي آيد(سيف اللهی، ۱۳۸۶، ۳۸۳).

– خرده گيري هاي مخالفان حجاب

مهم ترين چيزي كه همه آنان در آن متفقند و به عنوان يك ايراد اساسي بر مسأله ي حجاب ذكر مي كنند،

اين است كه: زنان نيمي از جامعه را تشكيل مي دهند اما حجاب سبب انزواي اين جمعيت عظيم مي گردد، و طبعاً آن ها را از نظر فكري و فرهنگي به عقب مي راند، مخصوصاً در دوران شكوفائي اقتصاد كه احتياج زيادي به نيروي فعال انساني است، از نيروي زنان در حركت اقتصادي هيچگونه بهره گيري نخواهد شدو جاي آن ها در مراكز فرهنگي و اجتماعي نيز خالي است! به اين ترتيب، آن ها به صورت يك موجود مصرف كننده و سربار اجتماع درمي آيند.

آنان كه به اين منطق متوسل مي شوند و با اين افكار خودعده ي زيادي را به دنبال خود مي كشانند وباعث رواج فساد در جامعه مي شوند از چند امر به كلي غافل شده يا تغافل كرده اند. زيرا چه كسي گفته است: حجاب اسلامي، زن را منزوي مي كند، و از صحنه ي اجتماع دور مي سازد؟.

اگر در گذشته لازم بوده زحمت استدلال در اين موضوع را بر خود هموار كنيم امروز، بعد از انقلاب اسلامي هيچ نيازي به استدلال نيست؛ زيرا با چشم خود گروه، گروه زناني را مي بينيم كه با داشتن حجاب اسلامي درهمه جا حاضرند.

– حجاب دست و پاگيراست؛

ايراد ديگري كه مخالفان حجاب مطرح كرده اند و باعث شده اند كه اين طرز تفكر توجيه براي بدحجابي گردد اين است كه حجاب يك لباس دست و پاگيراست و با فعاليت هاي اجتماعي مخصوصاً درعصر ماشين هاي مدرن سازگار نيست، يك زن حجاب دار خودش را حفظ كند، يا چادرش را و يا كودك و يا برنامه اش را؟!

ولي اين ايرادكنندگان از يك نكته غافلند و آن اين كه: حجاب هميشه به معني چادر نيست، بلكه به معني پوشش زن است، آن جا كه با چادر امكان پذير است چه بهتر و آن جا كه نشد، به پوشش قناعت مي شود. زنان كشاورز و روستائي ما، مخصوصاً زناني كه در برنج زارها مهمترين و مشكل ترين كار كشت و برداشت محصول برنج را برعهده دارند، عملاً به اين پندارها پاسخ گفته اند، و نشان داده اند: يك زن روستائي با داشتن حجاب اسلامي در بسياري از موارد، حتي بيشتر و بهتر از مرد كار مي كند، بي آن كه حجابش مانع كارش شود.

– تمايل به گناه و انحرافات جنسي

يكي از مواردي كه مي توان آن را ازعوامل گرايش به بدحجابي نام برد تمايل به گناه و اصرار به آن است.

تصوير و تخيّل منظره هاي هوس انگيز زنانه، كه ريشه در خودنمايي عده اي از زنان غيرعفيف يا كم عفت دارد، در صورت استمرار، پرده برعقل عاقبت انديش انداخته و خاطرات شيطاني در صحنه ي نفس راه پيدا مي كند وعنان اختيار را از كف ربوده و جوانان را از ياد مبدأ ومعاد وعظمت خويشتن غافل نموده و به گناه و شهوات نامشروع و در نتيجه عواقب دردناك آن ها مي كشاند كه زنان بي پروا نيز قرباني اين مهلكه خواهند بود و حتي بيشترين آسيب متوجه آن ها مي شود. چنان كه حضرت علي (عليه السلام) فرموده است: مَن كَثُرَ فِكره فِي المَعاصِي دَعَتهُ إلَيها : « هركس درباره ي گناهان زياد بينديشد

به سوي آنها كشيده مي شود » (جوادی آملی ، ۱۳۷۱، ۴۲(.

– گرايش به تقليدهاي كوركورانه و نگرش هاي سطحي

هنگامي كه آدمي در اثر پيروي از هوي و هوس از تحصيل علم و معرفت و در نتيجه كسب نيروي درك كننده حقيقت محروم مي گردد، ناگزير استقلال فكري خود را از دست داده و دست به دامان تقليد غير معقول و تكيه بر ظن و گمان نادرست و پندارهاي بي اساس كه هرگز انسان را بي نياز از حق نمي كند و به حقيقت نمي رساند، دراز مي كند و در حقيقت نظريه هاي او را حسّ وچشم و گوش تغذيه و اداره مي كند نه براهين عقلي و دليل هاي شرعي.

تقليد و چشم و هم چشمي كه نشانه ي خودباختگي، عامل عقب افتادگي وازعلائم شخصيت بيماراست، باعث مي گردد كه فرد مقلد گرفتار وسوسه ها و دسيسه ها و سياست بازي هاي شياطين وابزار دست ديگران قرار گرفته و در زندگي براساس خودخواهي ها و خودكامگي هاي خود و ديگران، رفتار كند؛ هم چنان كه خودآرايي و بدحجابي نيز از جلوه هاي بارز رفتارهاي تقليدي كوركورانه است.

-كم بودن مُصلح در جامعه

اصل مقدس امر به معروف ونهي از منكر نه تنها در جامعه ما متروك شده، در افكار ما نيز مسخ شده وتغيير شكل داده است(قرائتي، ۱۳۷۹، ۱۵).

- كوتاهي در امر به معروف ونهي از منكر

سبب اين كوتاهي يا ضعف نفس است يا طمع مالي، و آن از جمله مهلكات است و ضرر آن عام و فساد آن تام است؛و در اخبار و آيات مذمت بسيار براي اين صفت ذكر شده، و از رسول خدا (صل الله عليه و آله)مروي است كه : هيچ قومي نيست كه معصيت كنند و در ميان ايشان كسي باشد كه قدرت داشته باشد ايشان را منع كند و نكند مگر اين كه بيم آن است كه خداي تعالي فرو گيرد ايشان را به عذابي كه از نزد او نازل گردد.پس اگر اين اصل در جامعه به دست فراموشي سپرده شود زمينه هاي گناه پديد آمده و رشد مي كنند(معصومی ، ۱۳۷۵ ، ۱۰۳).

- سكوت افراد در برابر گناه؛

سكوت در برابر گناه، نشانه ي ضعف، ترس، يأس و نداشتن تعهد نسبت به دين و جامعه واصلاحات است.در حديثي مي خوانيم پيامبر اكرم (صل الله عليه و آله) فرمودند: " به خدايي كه جانم در دست اوست، از امت من گروهي از قبر برمي خيزند؛ در حالي كه در قيافه ي بوزينه و خوك هستند. اين قيافه ها به خاطر آن است كه آنان قدرت نهي از منكر داشته، ولي با گنهكاران سازش كردند "(جوادی آملی ،۱۳۷۱، ۱۱۱).

پیامدهای بدحجابی درجامعه



زماني كه بدحجابي در جامعه افزايش يابد آمار خشونت و جنايت عليه زنان بالا مي رود چنان كه شاهد هستيم امروزه در غرب آزارهاي جنسي و مساله خشونت عليه زنان روز به روز افزايش مي يابد.

به گزارش مهر(www.taamolnews.ir) هر چند بدحجابي بسياري از زنان و دختران با انگيزه مخالفت آنها با دين نيست و تنها نوعي بي توجهي و سهل انگاري است، ولي با دقت و تامل در اين ناهنجاري اجتماعي در مي يابيم كه اخيرا عواملي سبب افزايش فوق العاده بدحجابي در سطح جامعه شده است كه اگر آگاهي هاي كافي نسبت به اين معضل اجتماعي و پيامدهاي منفي ناشي ازآن به مردم داده نشود، بدون شك در آينده نزديك با مشكلات بزرگتري روبرو خواهيم شد.

وقتي فساد و بي بندوباري در جامعه زياد شود آن جامعه قادر به حيات واقعي نخواهد بود و در مقابل هرگونه هجوم بيگانگان نابود خواهد شد. مطالعه ادوار گذشته تاريخ بشري نشان مي دهد هر قومي به فساد روي آورده به سرعت دچار نابودي گرديده است.در تهاجم فرهنگي نيز رواج بي حجابي و هرزگي در جامعه بهترين ابزار دشمن به شمار مي رود(علی محمدزاده، ۱۳۸۴ ، ۸۳).

عمده ترين پيامدها و آسيب هاي اجتماعي بدحجابي در جامعه عبارتند از؛

-كاهش ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج

كاهش ازدواج و عدم تمایل جوانان به زندگی زناشویی و روی آوردن به زندگی غیر طبیعی تجرد و یا صحیح تر چیزی که اصلا نمی توان نام آن را زندگی گذاشت فاجعه بزرگی است که دامنگیر انسان قرن ما شده است.

کاهش ازدواج تنها از این نظر فاجعه آور نیست که به انقراض یا کمبود نسل، می گراید؛ بلکه عیب این موضوع بیشتر از این نظر است که افراد مجرد در واقع از نظر احساس مسئولیت اجتماعی بسیار عقب هستند، آنها تقریبا به هیچ جامعه ای تعلق ندارند و به افرادی می مانند که در یک فضای بیکران در حالت بی وزنی در میان کرات سرگردان باشند!

آنان ممکن است با کم ترین چیزی پیوند خود را از آب و خاک خود بریده، فوراً به نقطه دیگری پرواز کنند، و یا در صورت ناراحتی با زندگی وداع گویند و از آن چشم بپوشند(پایگاه اطلاع رسانی آیت الله العظمی مکارم شیرازی).

وقتي در جامعه بدحجابي افزايش يابد، طبيعتا روابط نامشروع نيز زياد مي شود . زماني كه مردان بخش زيادي از نياز جنسي خود را از غير روابط مشروع و قانوني ازدواج تامين كنند؛ ميل و رغبتي به ازدواج ندارند؛ چرا كه تشكيل خانواده و پذيرش مسئوليت نوعي محدوديت و گرفتاري براي آنها به وجود مي آورد.(مطهری ،۱۳۵۷، ۲۷).

به زبان ساده می توان گفت: بالاتر رفتن سن ازدواج و عدم مسئولیت‌پذیری مردان برای تشکیل خانواده؛ یعنی وقتی مردان در جامعه مدل‌های مختلف زنان را با روابط آزاد می‌بینند و می‌توانند به راحتی تجربه کنند، زیر بار مسئولیت ازدواج و خانواده نمی‌روند.

– افزایش ازدواج سفید

وقتی افراد جامعه تن به ازدواج های قانونی ندهند ، برای تامین نیازهای جنسی و یا عاطفی خود به ازدواج سفید روی می آورند کهاز طرف مردم نیز پذیرفته نشده است. ازدواج سفید، به نوعی از ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی گفته می‌شود که ثبت رسمی نمی‌شود. به بیان ساده در این نوع ازدواج اطلاعات مربوط به آن در هیچ دفتر ثبت اسنادی ثبت نمی‌شود.

بسیاری از افراد با شنیدن نام ازدواج سفید تصور می‌کنند که این نوع ازدواج برای شناخت بیشتر طرفین از یکدیگر مفید است. تصور می‌کنند که به این ترتیب قبل از ثبت ازدواج طرفین به شناخت کامل از یکدیگر می‌رسند. در پاسخ به این افراد باید گفت، جالب است بدانید که نداشتن تعهد در این نوع ازدواج سبب شده تا بیش از نود درصد ازدواج‌های سفید به «ازدواج رسمی» ختم نشود.

تمایل‌های جنسی و عاطفی طرفین سبب می‌شود تا بدون کسب شناخت و آگاهی قبلی زندگی مشترک را با یکدیگر آغاز کنند. با گذشت زمان و کسب شناخت بیش تر به واسطه زندگی کردن در یک خانه مشترک طرفین متوجه می‌شوند که هدف مشترک و نقاط مشترکی در زندگی ندارند. از طرفی دیگر نداشتن تعهد و ثبت نشدن ازدواج هم سبب می‌شود تا به آسانی به فکر تمام کردن رابطه و جدایی بیفتند.

اکثر افرادی که تمایل به شروع این گونه زندگی‌های مشترک دارند، اشخاصی هستند که در زندگی دچار کمبود عاطفه هستند، یا اشخاصی که ناهنجاری‌های شخصیتی دارند و به دنبال راه حل‌های موقت برای زندگی خود هستند. در اینگونه روابط بیشترین صدمه به دختران وارد می‌شود. علاوه بر آسیب‌های روحی در پایان رابطه بدون پشتوانه مالی و قانونی باید به زندگی ادامه دهند.

-افزایش طلاق



دکتر حداد عادل در کتاب « فرهنگ برهنگي وبرهنگي فرهنگي» می نویسد: يكي از پيامدهاي مخرب بدحجابي در جامعه،آسيب ديدن كانون گرم خانواده است. وقتي مردان هر روز با انواع و اقسام خانم هاي بی حجاب و يا حتی بدحجاب روبرو مي گردند؛ آن زمان است كه به اشكال تراشي و بهانه گيري از همسر خود روي مي آورد و زمينه براي از هم پاشيده شدن خانواده فراهم مي شود(حداد عادل، ۱۳۷۴ ،۱۱۰).

حجت الاسلام محمد بارانی ، امام جمعه مهدی‌شهر با اشاره به آثار بدحجابی در جامعه معتقد است : وقتی مرد نگاهش به چندین زن آرایش کرده و این شکل بیرون آمده بیافتد، به همسر خود اکتفا نخواهد کرد و رفتارهایی از این دست منجر به طلاق خواهد شد (مهر ، 5760973).

-افزایش روابط نامشروع

وقتي با بدحجابي، جاذبه هاي جنسي در اجتماع زياد شود ديگر جوانان به نگاه چشم چراني اكتفا نمي كنند و تا مرحله اي پيش مي روند كه از ضوابط و شرع دست مي كشند و به روابط نامشروع گرفتار مي گردند(مطهری ، ۱۳۵۷، ۱۸۴) و اين همان بحراني است كه امروزه در غرب بيداد مي كند و احتمال می رود در صورت عدم برخورد صحیح در جامعه امروزی ایرن نیز ، بزودی شاهد شکل گیری و حتی گسترش این معضل سیاه اجتماعی باشیم.

فواید حجاب

حجاب کامل بانوان در جامعه مبارزه ای است با سلطه گران و جنایتکاران دنیا که همیشه سعی داشته و دارند با ترویج بی بندوباری و بدحجابی، ارزش های اسلامی را پایمال و بر ملت های ستمدیده سلطه پیدا کنند. آثار و برکات حجاب را می توان حفظ ارزش های انسانی در جامعه، مانند عفت، حیا و متانت و نیز کاهش مفاسد اجتماعی؛ هدایت، کنترل و بهره مندی صحیح و مطلوب از امیال و غرایز انسانی، تأمین و تضمین سلامت و پاکیِ افراد جامعه دانست .

الف) ایجاد آرامش روانی در فرد

یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بعد فردی، ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است؛در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرت های بی بند و بار میان زن و مرد، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی خواهد بخشید و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی آورد که مخل آرامش روانی افراد است.

ب) استحکام بیش تر کانون خانواده

یکی از فواید مهم حجاب در بعد خانوادگی ، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. باید گفت زنی که چادر بر سر می گذارد ، نه تنها اولین قدم را در حفظ کانون گرم خانواده برداشته است بلکه آبرو و شرافت مادری را بدین وسیله فراهم ساخته است و خود را از آزار و اذیت و نگاه هایی که همچون تیر به قلب خانواده اصابت می کند و آن را از هم می پاشد ؛ محفوظ داشته است(پارسا، ۱۳۷۴ ،۵۲(

ج) حفظ و استیفای نیروی کار در جامعه

برخلاف نظام ها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت های اجتماعی را با لذت جویی های جنسی درهم می آمیزند،اسلام می خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این گونه لذت ها پاک گردد و لذت های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود(مطهري، ۱۳۶۰، ۵۵).

یکی از فواید مهم حجاب در بعد اجتماعی، حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل، بی حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه ، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می گردد. بدون تردید، مردی که در خیابان، بازار، اداره ، کارخانه و ... همواره با قیافه های محرّک و مهیّج زنان بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کارش کاهش می یابد.

د) فایده ی اقتصادی حجاب

استفاده از حجاب و پوشش به ویژه در شکل چادر ، به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می تواند از بعد اقتصادی نیز تأثیری مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد .



دعوای اصلی نظام سلطه با اسلام چیست ؟

دکتر رقیه فاضل در مقاله /سخنرانی خود با عنوان «**چرا نظام سلطه با «حجاب» دشمن است؟** » می نویسد: **ن**ظام سلطه به‌دنبال این است که دیگران را به پذیرش حاکمیت خود مجبور کند، عده‌ای این حاکمیت و سلطه را می‌پذیرند، چه به‌دلخواه و به‌واسطه‌ی تلاش نرم و آرام نظام سلطه، چه با زور و نگاه قهرآمیز این نظام؛ اما عده‌ای هم زیر بار این حاکمیت نمی‌روند. اسلام در این دسته‌ی دوم جای می‌گیرد. آموزه‌های اسلامی، آموزه‌های عدالت‌خواهانه و ضدظلم هستند؛ «لاتَظلمُون و لا تُظلَمون» و «وکُونَا لِلظَّالم خَصماً و لِلمَظلُوم عَوناً». اسلام، انسان و مسلمان‌ها را می‌کشاند به‌سمت اینکه با ظلم مبارزه کنند. وقتی چنین آموزه‌هایی انسان‌ها را هدایت می‌کند که مقابل ظلم بایستند، طبیعی است که نظام سلطه احساس خطر کند و اسلام را به‌عنوان مانعی بر سر راه رسیدن به اهداف و غایات خودش در نظر بگیرد؛ لذا دعوای اصلی نظام سلطه و اسلام از اینجا شکل می‌گیرد. نظام سلطه منافعی دارد و دنبال سود است و می‌بیند که اسلام در برابرش می‌ایستد، در برابر اشغال‌گری می‌ایستد، در برابر تحمیق و تطمیع و تهدید مردم می‌ایستد؛ لذا درصدد برمی‌آید که با اسلام مبارزه کند.

این مبارزه با اسلام همیشه از راه کشتن و حذف افراد صورت نمی‌گیرد. مگر چقدر می‌تواند مسلمان بکشد و از تعداد آن‌ها کم کند؟! طبیعی است که راه دیگری را پی بگیرد و دنبال این باشد که از تعداد طرف‌داران اسلام بکاهد یا آموزه‌های اسلام را در آن‌ها بی‌اثر کند. در این زمینه، یکی از کارهایی که به‌جد در دستور کار قرار داده، سرگرم‌کردن ملت‌ها با شهوات است. این ملت‌ها اعم از اینکه مسلمان باشند یا نه، به‌میزانی که درگیر شهوات شده و با لذات نفسانی سرگرم شوند، سست می‌شوند؛ یعنی پرداختن به خواهش‌های نفسانی، انسان‌ها را از پرداختن به مسائل جدی و مهم باز می‌دارد.

انسانی که می‌تواند تحت آموزه‌های اسلامیْ مجاهد بار بیاید، وقتی درگیر خواهش‌های نفسانی شده باشد، وقتی شب تا صبحش در فضای قمار و عیاشی بگذرد، معلوم است که صبح در میدان مبارزه پیدایش نخواهد شد. حتی اگر بخواهد هم، آن‌قدر از نظر اراده سست شده که دیگر نمی‌تواند مقابله کند. این‌گونه است که آموزه‌های اسلامی بی‌اثر می‌شود؛ یعنی به‌میزانی که نظام سلطه در حوزه‌ی تحریک لذت‌های شهوانی و دنیاطلبی سرمایه‌گذاری بیشتری می‌کند، تعداد مخالفانش و تعداد مبارزان و مجاهدان در برابر آن کم می‌شود. این مسئله بسیار به‌نفع این نظام تمام خواهد شد؛ چون بدون درگیری و بدون خرج‌کردن پول، فرد به‌واسطه‌ی خواهش‌های نفسانی خودش از صف مبارزه جدا می‌شود. از لحاظ تربیتی، این مطلب کاملاً منطقی است؛ آدمی که در درون خودش نمی‌تواند با هوای نفسش بجنگد و از سیم‌خاردار نفس عبور کند، در فضای اجتماعی هم آدم مجاهد و مبارزی نخواهد شد. به‌قول حضرت امام(ره) در پیام قطعنامه، مبارزه با رفاه‌طلبی جمع نمی‌شود. اگر انسان را رفاه‌طلب کردی، دنیاطلب کردی، دیگر نمی‌تواند مبارزه کند.پس حجاب در لایه‌های دورنی خود، نوعی جهاد اکبر و نوعی مبارزه با نفس وخواهش‌های نفسانی است(farsi.khamenei.ir).

منابع:

– بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور، 26/ 10/ 1368

– بیانات مقام معظم رهبری در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(ع) و «روز

زن»، 25/ 09/ 1371.

– شهیدی ، سید جعفر (1380). حجاب در قرآن ، مجله پژوهش های قرآنی ، شماره 25و26، ویژه زن در در قرآن

– بي نا (۱۳۷۱). حجاب وآزادی ، تهران:سازمان تبلیغات اسلامی

– پارسا،محمد (۱۳۷۴). روان شناسي تربيتي ،تهران ،:انتشارات سخن

– جوادی آملی (۱۳۷۱). زن درآیینه جلال وجمال ؛تهران:مرکزنشرفرهنگی رجاء

– حدادعادل،غلامعلي (۱۳۷۴). فرهنگ برهنگي وبرهنگي فرهنگي،تهران:سروش

– زن ازدیدگاه مقام معظم رهبری (۱۳۸۰). تهران: نشرنوادر

– سیف اللهی ،سیف الله (۱۳۸۶). جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران ،تهران:انتشارات جامعه پژوهان سینا

– علی محمدزاده، خلیل (۱۳۸۴). حجاب زن وحقق –نگاهی دیگر(چاپ چهارم)،تهران:انتشارات فردوس

– فهیم کرمانی ، مرتضی (۱۳۷۲). چهره زن درآیینه اسلام وقرآن(چاپ پنجم) تهران:دفترنشرفرهنگ اسلامی

– قرائتي، محسن (۱۳۷۹). امربه معروف ونهي ازمنكر ،تهران: مركز فرهنگی درسهائی از قرآن

– کریستن سن،آرتور (۱۳۷۰). ایران درزمان ساسانیان؛ ترجمه رشید یاسمی ،تهران: سروش

– محمدی آشنایی ،علی (۱۳۷۳). حجاب درادیان الهی ؛قم:انتشارات اشراق

– مطهری،مرتضی (۱۳۵۷). نظام حقوق زن دراسلام؛(چاپ هشتم) قم:انتشارات صدرا

– مطهري ، مرتضي (۱۳۶۰). ساله حجاب؛مساله حجاب ؛(چاپ پانزدهم) قم:انتشارات صدرا

– معصومی، سیدمعصومی (۱۳۷۵). احکام روابط زن ومرد(چاپ یازدهم) قم:دفترتبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ـ مهدی زاده،حسین (۱۳۸۸). پرسمان حجاب ،قم: انتشارات صهبای یقین

https://www.hi-hijab.com -

ww.mehrnews.com/news/3578620 -

-www.imam-khomeini.ir/fa/n153806

-www.farsnews.ir/news/14010407000650

-www.makarem.ir/maaref/fa/article/index/410089

-www.mehrnews.com/news/5760973- farsi.khamenei.ir/others-note?id=49436